

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی
سال هشتم- تابستان 1405- شماره 26- ص 83-92
**ویژگی های نظام تربیتی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج
البلاغه**

اکرم فرقانی¹

چکیده

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی است که در دین باوری و جامعه پذیری و تربیت دینی و اعتقادی و اخلاقی فرزندان، نقش بسزایی دارد. نظام تربیتی با محوریت تربیت دینی می تواند در شکل گیری یک جامعه سعادت مند و مسئولیت پذیر اثرگذار بوده و یک جامعه ی توحیدی و الهی را به ارمغان بیاورد. در مقاله حاضر سعی شده ضمن بیان اهمیت تربیت دینی به تبیین و بررسی ویژگی های نظام تربیتی از منظر نهج البلاغه پرداخته شود.

واژگان کلیدی: نظام تربیتی، خانواده، تربیت دینی، رویکرد نهج البلاغه

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

خانواده در بین تمام جوامع بشری اصلی ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ ها و تمدن ها و تاریخ واز مهم ترین عوامل محیطی انسانی است که در تربیت دینی افراد مؤثر است و کانون تربیت فرزند و معمار اولیه شخصیت است که در آن فرزندان به تدریج از رفتارهای پدر و مادر الگوبرداری می کنند. تربیت فراهم کردن زمینه هایی است برای اینکه نیروها و استعداد های یک موجود از حالت بالقوه تبدیل به بالفعل شود تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خویش بهره مند شود. تربیتی دینی تربیت بر اساس اصول و پایه های اعتقادی و دینی و الهی و با محوریت توحیدی و مفاهیم دینی است. خانواده نخستین و به همین جهت اصلی ترین نهاد تربیتی جامعه است که باید سالم بماند. پدر و مادری که بر اساس پیوند ازدواج در کنار هم قرار گرفته اند و کانون پر مهر و محبت خانواده را تشکیل داده اند، نقش اساسی در تربیت صحیح دارند. از جمله آیاتی که در این زمینه وجود دارد این آیه است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»¹؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی خواهیم (بلکه) ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای تقواست». لذا با توجه به ضرورت پرداختن به نقش خانواده در تربیت دینی اعضاء خانواده به ویژه فرزندان که مورد توجه حوزه های دینی و ... می باشد در این تحقیق به تبیین جایگاه خانواده در تربیت دینی فرزندان با رویکرد آیات و روایات اسلامی می پردازیم.

خانواده کانونی است شکل گرفته بر پایه پیمان مقدس ازدواج که با حضور فرزندان روابط اعضای خانواده گسترده و تأثیر گذاری مثبت یا منفی آنان بر یکدیگر بیشتر می شود. فرزندان در خانواده رشد می کنند و استعداد های آنان شکوفا می شود. سپس وارد جامعه می شوند. در جامعه هم بر اساس تربیت خانواده حرکت می کند. در نتیجه عدم توجه خانواده بر تربیت صحیح در جامعه باعث آسیب های اجتماعی مختلفی از جمله گسترش مفاسد اجتماعی و بزهکاری می شود. پس تربیت خانواده در حل نابسامانی های جامعه نقش مهم دارد. از این رو تحقیق حاضر به دنبال ویژگی های نظام تربیتی از منظر نهج البلاغه است. همچنین برای ما اهمیت دارد که نظر امام علی (ع) را در این زمینه بدانیم.

ویژگی های نظام تربیتی در نهج البلاغه

مهم ترین ویژگی های نظام تربیتی از دیدگاه نهج البلاغه تحت چهار عنوان جنبه هدایتی، جنبه عقلایی، جنبه اجتماعی و جنبه معنوی آن قابل بحث است. اگر چه جنبه هدایتی این نظام در

¹. سوره طه، آیه 132.

واقع تعیین کننده خط مشی جوانب دیگر آن است و اساس نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از نظر فلسفی و عقیدتی تشکیل می دهد، جنبه های دیگر نیز ویژگی های خاصی دارند که به اختصار درباره ی آنها بحث می شود.

1- جنبه ی هدایتی

مهم ترین جنبه نظام تربیتی در نهج البلاغه را جنبه هدایت انسان در حرکت در مسیر حق، در طول زندگی او در این جهان تشکیل می دهد. کلیه اعمال و حرکات انسان و اندیشه های او در مورد خویش و دیگران در تمامی موارد و موفقیت های زندگی تحت اشعاع مسئله حق جویی و حق گوئی، تفکر منطبق با حقیقت و عامل حقیقت قرار دارد. دوست داشتنی ترین بندگان نزد خدا باید واجد صفات ذکر شده باشند و در این مسیر از سنت پیامبران و آنچه در کتاب های مقدس آمده است، پیروی کنند. عوامل هدایت انسان در تربیت او، همه اندرزها و نکته های است که امام علیه السلام آنها را تحت عنوان تأیید حق و ترضیح باطل مطرح کرده اند.

در مقابل عدم هدایت و نپذیرفتن حق، جهالت و گمراهی قرار دارد: «آن کس که هدایت راهنمایش شود، گمراهی او را به هلاکت نمی کشاند». انسان با پیروی از حق، و به یاری دانش و حکمت، آگاهی های لازم را برای هدایت جویی می یابد و قادر می شود اعمال خود را منطبق با اندیشه های اصلاح شده خود در جهت منافع خویش و جامعه تنظیم کند.¹

تجلی حق در سه ستون علم، ایمان و اتحاد منعکس است و قرآن کریم شاهد این بیان است. درباره ی جنبه هدایتی در نظام تربیتی، در خطبه 133 آمده است: «این کتاب خدا است که با آن می توانید حقایق را ببینید، با آن سخن بگویید و با آن بشنوید». یا در خطبه ی 16 چنین تصریح شده است: «انحراف به راست و چپ، گمراهی و ضلالت است. راه مستقیم و میانه، جاده و سبیل حق است. به این راه در قرآن و آثار نبوت و نیز سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توصیه شده؛ و سرانجام، همین جاده، مقیاس کردار همگان است و راه همه باید به آن منتهی شود».

جنبه هدایتی این نظام تربیتی، آماده سازی انسان برای شناسایی حق و مبارزه علیه باطل ایجاد می کند؛ چنان که امام علیه السلام در خطبه 24 می فرماید: «به جان خودم سوگند که در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه ورنند، استیست و مدارا نمی کنم!» مبارزه در راه حق، مستلزم آگاهی از طریق هدایت است؛ و از سوی دیگر باید با تکیه بر اتحاد و ایمان به حقانیت، مبارزه صورت پذیرد؛ زیرا «حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید»

1. نقل قول های نهج البلاغه، ترجمه امامی و آشتیانی، ص 316.

(خطبه 29، این تلاش و کوشش زمینه ساز رشد حکمت و دانش و عامل باروری قوای جسمانی و روحانی و استعدادهای بالقوه انسان است و موفقیت او را در زندگی دنیوی و کسب سعادت اخروی تضمین می کند).¹

پیروی از حق او را از همه گمراهی ها و ارتکاب به منکرات باز می دارد و لذا تو شه او در این جهان، پر بار از اعمال نیک خواهد بود. پیروی از حق، از انسان را به مسیر یقین و اجتناب از بدعتگذاری و ابداع شبهات و می دارد و این امر با بصیرت و بینش انسان صورت می گیرد که طبعاً باید با احکام و مفاد حکیمانانه قرآن کریم هدایت شده باشد. آرامش واقعی انسان هدایت شده، در پیروی از حق است.

روش تربیت با تکیه بر جنبه هدایتی چنین ذکر شده است: «از حق فرار نکنید! آگاه باشید که هیچ گاه راه حق را نخواهید شناخت مگر اینکه آنها را که آن را ترک گفته اند، بشناسید. این آگاهی ها را از اهلس بخواهید؛ زیرا آنها زندگی علم و مرگ جهل اند. آنها ایند که حکمشان شما را از علمشان، سکوتشان شما را از منطقشان و ظاهرشان شما را از باطنشان آگاهی میدهد. اینان نه با دین مخالفت می کند و نه در آن اختلاف دارند؛ بنابراین دین در میان آنها گواهی است صادق و ساکتی است راستگو».²

تکیه بر اصل معاد، یکی دیگر از جنبه های آگاه سازی انسان برای هدایت او است. ایمان به حیات پس از مرگ جهت بخش اعمال و رفتار انسان در زندگی دنیوی او و عامل کنترل کننده است که چنانچه به پیروی از حق باشد، سعادت اخروی در پی دارد و اگر در جهت باطل جریان یابد، بدبختی و مجازات را در جهان دیگر به دنبال خواهد داشت.³ بر این مبنا انسان نباید جهان دنیوی را فقط به عنوان مسیری برای انجام اعمال نیک دریابد و ارزش آن را قلیل و خود را فانی بداند. از این جهت، زندگی واقعی در مرگ پیروزمندانه انسان و مرگ واقعی در زندگی توأم با شکست است و اگر کس با همه آگاهی خود از وضع رستخیز مطلع باشد، خیانت نخواهد کرد. پس انسان را باید آگاه ساخت که از فرزندان این دنیا نباشد و این جهان را وسیله عمل و عمر خود را زمان عمل بداند که فردا وقت حساب است و دنیا را به بهای خویشتن نشناسد و در صد کسب رضایت پروردگار خود برآید؛ به عبارت دیگر، جهان، وسیله آزمایش انسان است و انسانی که مسئولیتها و وظایف خود را در طول عمر خویش بشناسد و از آنها با شد، این جهان را به منزله سایه ای خواهد انگاشت که هنوز گسترده نشده است، کوتاه می شود.

1. نهج البلاغه، خطبه 29.

2. نهج البلاغه، خطبه 147.

3. نهج البلاغه، خطبه 21.

به هر حال، آنچه در نهج البلاغه تأکید شده، این است که در جهان بینی اسلامی اگر دنیا و مواهب مادی این جهان وسیله باشند، موجب پیدایش بصیرت و بینایی انسانی و مردمی خواهند شد و اگر «هدف نهایی» را تشکیل دهند، موجب کوردلی و گمراهی هستند.¹

2- جنبه عقلانی

یکی از مهم ترین جنبه های نظام تربیتی از دیدگاه نهج البلاغه، استفاده از روش عقلانی و تکیه بر عقل در برخورد با امور است؛ چنان که یکی از وظایف پیامبران در قبال مردم در طی مدت نبوتشان این بوده است که گنج های پنهانی عقل ها را آشکار سازند. استفاده از روش عقلانی با تکیه بر استدلال و دلیل و برهان در همه موارد به غیر از دریافت های الهی نظیر کاوش درباره آفرینش تو صیه شده است؛ زیرا تفکر در باب آفرینش و وجود پروردگار با توجه به عظمت آن، عقل ها را متحیر می سازد و وسعت و دامنه آن برای تفکر غیر ممکن است و نمی توان برای آنها مثالی فرض کرد و تشبیهی یافت.

تکیه بر درک و فهم ناشی از بصیرت عقلانی برای انجام اعمال به دور از اشتباه و گمراهی و استفاده از عقل به عنوان عامل کنترل هواهای نفسانی و عامل ایجاد کننده صبر و بردباری، بکرات و در خطبه های متعدد مطرح شده است. در این زمینه، مستندترین کتاب برای بهره گیری روش عقلانی، قرآن کریم و سنت پیامبران تو صیه شده است، چنان که امام علیه السلام در خطبه 198 می فرماید: «قرآن برهانی است برای کسی که به گفته هایش استدلال کند، شاهد و گواهی است برای آن که از آن سخن بگوید، و پیروزی و غلبه است برای افرادی که به آن استدلال کنند».

به طور کلی شخص عاقل در نهج البلاغه بدین صورت توصیف شده است که با چشم قلبیش پایان کار را نمی نگرد و پستی و بلندی های آن را تشخیص می دهد و با بینایی عمل می کند، بر شهوات و هوس های خود مسلط است، در راه تکامل گام برمی دارد، با اعتقاد به آخرت دنیا را نادیده می انگارد، در جهت رضایت پروردگار خویش عمل می کند، با حرکت در مسیر حق با روش اعتدال گام برمی دارد و از تجربیات خویش استفاده می کند و از مشاوره و پند و اندرز ابایی ندارد، کم سخن می گوید و اساس روابط اجتماعی خود را بر دوستی و محبت و عدالت پی ریزی می کند. و به طور کلی خط مشی زندگی شخص عاقل در نهج البلاغه بدین صورت خلاصه شده است: «برای شخص عاقل درست نیست که حرکتش جز در یکی از این سه جهت باشد: برای اصلاح اموری زندگی یا در راه آخرت یا در لذت غیر حرام»²

1. نقل قول های نهج البلاغه، همان، ص 316-318.

2. نهج البلاغه، حکمت 39.

3- جنبه اجتماعی

در نظام تربیتی اسلامی در تعلیم و تربیت از سان، بر هر دو بعد فردگرایی و جمع گرایی تأکید می شود. به همان سان که افراد تربیت شده پایه های یک جامعه سالم و مسلمان را پی ریزی می کنند، یک جامعه متکی بر روابط اجتماعی عادلانه و اسلامی، زمینه ساز موقعیت هایی است که هر یک به نوبه خود می توانند در تکوین مثبت شخصیت معنوی و اجتماعی فرد تأثیر به سزایی داشته باشد. بدین جهت، این بعد تربیتی با اهمیت خاصی متأثر از نظریات عقیدتی اسلامی، در نهج البلاغه مطرح شده و امام علی علیه السلام هم به آن توجه داشته است.

نظام روابط اجتماعی مبتنی بر انس و محبت، اتحاد و دوستی، عدالت و حق جوئی، واقع و فروتنی، نیکی و احسان، و عفو و بخشش، زمینه رشد ابعاد مختلف شخصیت انسان را در جامعه اسلامی فراهم می سازد. استمرار روابط خویشاوندی و نیاز از سان به شرکت در این روابط، موضوعی است که در نهج البلاغه تأکید شده است: «ای مردم! از سان هر اندازه که ثروتمند باشد، از بستگان و اقوام خود بی نیاز نیست؛ که از وی با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان، بزرگ تری گروهی هستند که از سان پشتیبانی می کنند و پراکندگی و ناراحتی او را از بین می برند، و در آن هنگام که حادثه ای پیش آید، آنها به او پر عاطفه ترین مردم اند»¹.

و در این نوع ارتباطات انسانی، عواملی نظیر طبقه اجتماعی، مال و ثروت، نژاد، و رنگ و دین نباید دخالت داشته باشد؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره انصار توصیه فرمود که «با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید!»²

و در این نوع ارتباطات انسانی، عواملی نظیر طبقه اجتماعی، مال و ثروت، نژاد و رنگ و دین نباید دخالت داشته باشد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره انصار توصیه فرمود که: «با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید!»³

در نظر امام علی علیه السلام اتحاد و برادری تحت عنوان «بیعت» مسلمین با رهبر خویش و در ارتباط با یکدیگر، ارزش والایی دارد؛ و وظیفه آحاد جامعه، پیروی و اطاعت از رهبر عادل، عاقل و حق طلب است که منافع مسلمین را بر هر چیز مقدم می دارد.

1. نهج البلاغه، خطبه 23.

2. همان، خطبه 23.

3. همان، خطبه 66.

در خطبه 205 آمده است: «آنگاه که حکومت و زمامداری به من رسید، در کتاب خدا نظر انداختم، و از هر دستوری که داده و هر امری که فرموده است، متابعت کردم؛ و به سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توجه و به آن اقتدا کردم».

اتحاد به عنوان مهم ترین ثمرات بیعت در جهاد علیه ظلم و ستم اجتماعی و استقرار عدالت مطرح شده است. اتحاد، نطفه هر فتنه ای را در بطن خود خفه می کند و زمینه رشد را در اجتماع برای فرد فراهم می سازد. به طور کلی، نظام روابط اجتماعی بر حفظ حقوق همدیگر استوار است؛ چنان که در خطبه 216 آمده است: «برای شما لازم است که یکدیگر را برای ادای حقوق نصیحت و در انجام آن به خوبی همکاری کنید!»

یکی دیگر از مسایل مهم در بعد اجتماعی تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، پی ریزی جامعه ای متکی بر اخلاق اسلامی است که در آن انسان های باتقوا، زاهد، با ایمان، عاقل و آگاه، متواضع و صادق و عادل تربیت شدند و بدین وسیله ثمرات چشمگیر تربیت اسلامی را مشخص سازند. از این دیدگاه، قابلیت تأثیرپذیری فرد از جمع و تشکیل سازنده جمع از فرد و قابلیت تغییر رفتار فرد از نظر تربیت مطرح شده است.¹

از آنچه گفته شد، چنین برمی آید که «انسان مسلمان» در جامع اسلامی مطرح و هدف است. مسلمانان باید دست اتحاد به هم بدهند و در عمل از پراکندگی بپرهیزند تا حق را در هر زمان و موقعیت تحقق بخشند و سرپرست اقطار زمینی شوند و لطف و مراحم پروردگار را نصیب خود سازند. امام علیه السلام در خطبه 192 می فرماید: «خداوند بر این امت منت گذاشته و پیوند الفت و اتحاد را در بین آنها ایجاد کرده است تا در سایه آن زندگی کنند و در کنف حمایت آن پناهنده شوند؛ و این نعمتی است که احدی نمی تواند بهایی برای آن تعیین کند؛ زیرا از هر بهایی گرانقدرتر و از هر چیز ارزشی با ارزش تر است.

و در نهایت باید گفت که اساس روابط اجتماعی در اسلام و حقوق اقشار مختلف مردم در قبال یکدیگر، کاملاً در نهج البلاغه مشخص است؛ از جمله: حق کوچک تر بر بزرگ تر، حق والی بر رعیت، حق رهبریت بر امت و بر عکس که در تبیین اهداف تربیت اسلامی باید بر آن تأکید شود.²

4- جنبه معنوی

این جنبه از نظام تربیتی، در تربیت انسان مخلص و باتقوا، با ایمان راسخ به وحدانیت پروردگار و توانایی مطلق او در تسلط به زندگی موجودات و گرایش به طبیعت با اعتقاد به ترس از خدا و

1. همان، خطبه 238.

2. ترجمه امالی و آشتیانی، ص 321-322.

پیروی از واجبات او آشکار است؛ انسانی که در هر حال و در هر زمان و در هر موقعیت، به یاد خدا زاهدانه زندگی می کند، پیوسته به او متوسل می شود، و از او هدایت می پذیرد به این اعتقاد که «او کفایت کننده ما و بهترین وکیل است».¹

امام علیه السلام در این باره در نهج البلاغه می فرماید: «ستاش مخصوص خداوندی است که ... از او استعانت می طلبیم؛ استعانت کسی که به فضل پروردگار امیدوار است، به سودش آرزومند، از زیان نرساندنش مطمئن، به قدرت او متعرف، و به گفتار و کردار او معتقد است».²

اخلاق، والاترین رتبه تقرب از سان به پروردگار خویش است؛ بنابراین، از لحاظ روحی و معنوی بر از سان واجب است که در مسیر عمل، گفتار و کردار مخلصانه گام نهد و عمل کند، زیرا محبوب ترین بنده نزد خداوند همانا مخلص ترین او است به ویژه اگر این اخلاص در گواهی از سان به ایمان و وحدانیت به خداوند یکتا باشد. چنان که امام علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «برترین و سیله که متوسلان می توانند با آن به سوی خدا تقرب جویند ... کلمه «اخلاص» [شهادت به یگانگی خدا در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] است که هماهنگ با سرشت بشر است».³

و این مسیر مخلصانه عبارت است از اعتقاد به پیشبرد عدالت و پیروزی حق، شرکت در جهاد علیه باطل و برتری ایمان، بروز صبر و بردباری در برابر ناراحتی ها و کوشش پیگیر با دشمن و استقامت در برابر ملزوماتی که از بعد معنوی باید هدف تربیت قرار گیرد.⁴

1. نهج البلاغه، خطبه 182.

2. همان.

3. همان، خطبه 110.

4. ترجمه امالی و آشتیانی، ص 320.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی های بعمل آمده در تحقیق حاضر در خصوص نظام تربیتی می توان اذعان کرد که خانواده با توجه به الگوهای قرآنی به عنوان اولین نهاد با الهام از فرهنگ غنی اسلام و احکام و تعالیم آن باید تلاش کند زمینه های تربیت صحیح دینی را برای فرزندان فراهم کنند و این امر موجبات تقویت اعتقادات مذهبی فرزندان را با تجارت و احساسات خوشایندی شکل میدهد که این خود باعث مطلوب شدن نظام تربیتی در جامعه خواهد بود.

شایسته است که خانواده ها و به تربیت صحیح فرزندان بپردازند و این جز از طریق عمل صالح و پیروی از آداب شریعت و پرهیز از عوامل غفلت زا میسر نخواهد بود مهم ترین ویژگی های نظام تربیتی از دیدگاه نهج البلاغه تحت چهار عنوان جنبه هدایتی، جنبه عقلایی، جنبه اجتماعی و جنبه معنوی آن قلیل بحث است. اگر چه جنبه هدایتی این نظام در واقع تعیین کننده خط مشی جوانب دیگر آن است و اساس نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از نظر فلسفی و عقیدتی تشکیل می دهد، جنبه های دیگر نیز ویژگی های خاصی دارند که به اختصار درباره ی آنها بحث شد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

منابع فارسی

- 1- جوادی، محمدرضا، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1386.
- 2- حسینی، داود، روابط سالم در خانواده، چاپ هفدهم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1389.
- 3- حکیمی، محمدرضا، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ دوم، تهران، فرهنگ اسلامی، 1386.
- 4- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج 6.

منابع عربی

- 1- ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، شرح نهج البلاغه، ج 20، بیروت، بی تا.
- 2- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول، چاپ اول، قم، دارالحدیث، 1383.